

خبر

احتمال افزایش حقوق کارمندان تا ۲۰درصد

ایسنا | پس از مصوبه دولت برای افزایش بین شش تا ۱۲ درصدی حقوق کارکنان در سال جاری مجلس تصمیم به اصلاح تبصره حقوقی بودجه گرفته است.نمایندگان می‌گویند آنچه که در متن قانون آمده با آنچه که هدفشان بوده متفاوت است. در این شرایط با تصویب اصلاحیه مجلس حداقل حقوق کارمندان تا ۲۰ درصد افزایش می‌یابد.

پیشنهاد بین پنج تا ۱۰ درصدی دولت در لایحه بودجه امسال برای افزایش حقوق کارمندان در نهایت به بحث‌هایی در مجلس برای پیش‌برد روایی متفاوت از قبل و افزایش بلکنای حقوق منتهی شد. نمایندگان معتقد بودند که دولت باید حقوق رده‌های پایین‌تر که در یافتی کمتری دارند بیشتر افزایش داده و رده‌هایی که دریافتی بالاتری دارند از رشد کمتر و با حتی نزدیک به صفر برخوردار باشند. به هر صورت در سال جاری دولت در مصوبه‌ای که با حضور هیات وزیران بود، افزایش حقوق را مشخص و تصویب کرد که بین شش تا ۱۲ درصد افزایش یابد و در این حالت حداقل حقوق کارکنان یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان باشد یعنی هیچ کارمند دولتی کمتر از این دریافت نکند.

اعلام این مصوبه در پایان هفته گذشته با واکنش‌هایی از سوی نمایندگان مجلس همراه شد و گفتند که این اقدام دولت برخلاف قانون بوده و باید حقوق کارکنان را حداقل ۲۰ درصد افزایش داد. پیگیری‌های ایسنا از سازمان برنامه و بودجه و سازمان امور اداری و استخدماي از این حکایت داشت که دولت خلاف قانون عمل نکرده و طبق آنچه که در تبصره (۱۱۲) قانون بودجه آمده نسبت به افزایش حقوق اقدام کرده است به طوری که تاکید شده حداکثر رشد ۲۰ درصد باشد و در همین دامنه نیز تغییرات اعمال شد. در عین حال که انصاری -معاون رئیس‌ جمهور و رئیس سازمان اداری و استخدماي- اعلام کرد که در حقیقت افزایش حقوق کارکنان تا ۱۶ درصد است نه ۱۲ درصد، چرا که حداقل حقوق یک میلیون و ۳۵ هزار تومان به یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان افزایش پیدا کرده است.

کارکنانی برخی بانک ها در خرید ارز صادراتی

اگرچه رئیس‌ جمهور به صراحت اعلام کرده که بانک ها باید دلار صادرکنندگان را با نرخ ۴۲۰۰ تومانی بفروشند، اما اکنون بانک ها پیشنهاداتی پایین‌تر از این نرخ را برای خرید ارز صادراتی ارائه می‌دهند.

به گزارش خبرنگار مهر، اجرای سیاست یکسان سازی نرخ ارز اکنون دیگر بیست روزه شده است. نوزادی که تازه متولد شده و به طور قطع در جریان زندگی متفاوتش، فراز و نشیب‌های بسیاری را تجربه خواهد کرد. درست بیست و یکم فروردین ماه بود که استحقاق جهانگیری، معاون اول رئیس‌ جمهور اعلام کرد که دلار از این پس در ایران تنها یک نرخ دارد و آن ۴۲۰۰ تومان است. بعد از آن بود که دولت برای روشن شدن ابعاد این سیاست، بخشنامه‌هایی را صادر کرد که برخی از آنها با اما و اگرهای بسیاری مواجه بوده است.

اما در میان تمامی بندها و مفاد دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌هایی که صادر شده، ارز حاصل از صادرات و شیوه فروش آن و نیز از سفرای، بیشترین حاشیه و حرف و نقل را به خود اختصاص داد؛ در واقع دولت بر این باور است که باید دلار تنها یک نرخ داشته باشد و آن ۴۲۰۰ تومان است و هیچ رقم دیگری را نمی‌پذیرد و صادرکنندگان می‌گویند که این نرخ را با شرط و شروطی اجزایی خواهند کرد.

سال های طلایی بهره وری سرمایه صنعت فولاد

بهره وری سرمایه صنعت فولاد طی سال های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ منتشر شد.ادوارن چشم‌انداز ملی بهره وری با بررسی عملکرد ۶۰ شرکت فعال در صنعت فولاد علاوه بر هر شرکت میانیگین عملکرد این شرکت ها را محاسبه و منتشر کرده است.

براساس یافته های این ارزیابی بهره وری سرمایه این صنعت تا سال ۱۳۹۴ از رشد قابل توجهی همراه بوده است ولی در سال ۱۳۹۴ با کاهش شدیدی نسبت به سال های قبل خود مواجه شده است.

بهره وری سرمایه عبارتست از نسبت ارزش افزوده، به هزینه استهلاک دارایی ثابت، این شاخص نشان می دهد در بنگاه اقتصادی به ازای هر ریال هزینه استهلاک دارایی ها چه میزان ارزش افزوده ایجاد شده است. با وجود نسبت کارایی در استفاده از دارایی ها را نشان می دهد. پایین بودن نسبت کارایی ضعیف استفاده از دارایی ها را نشان می دهد.

اوج گیری بهره وری سرمایه
در سال های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ بهره وری سرمایه صنعت فولاد در ایران با تغییرات زیادی همراه بوده است به طوری که بهره وری هر ۸۰۲ درصدی سال ۱۳۸۹ به ۲۸۰۶ درصد در سال ۱۳۹۳ رسیده ولی در سال ۱۳۹۴ دوباره به ۱۵۰۶ درصد کاهش یافته است.

براساس سال پایه ۱۳۸۳ بهره وری سرمایه فولادی ها در سال ۱۳۸۹ برابر با ۸۰۳ درصد بوده که این رقم با رشد ناچیزی به ۸۰۸۵ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است. اما از سال ۱۳۹۱ اوج گیری این شاخص درصنعت فولاد آغاز شده است. دراین سال بهره وری این شرکت ها به ۲۴۰۳ درصد رسیده است که فاصله زیادی با سال قبل از آن دارد. با تداوم روند صعودی در سال ۱۳۹۲ این شاخص به ۲۶۰۹ درصد ارتقا یافته است.

رکورد بهره وری سرمایه صنعت فولاد در سال ۱۳۹۳ به ثبت رسیده است. دراین سال این نسبت به ۲۸۰۶ درصد افزایش یافته است. اما در سال ۱۳۹۴ با یک عقبگرد ملموس این شاخص به ۱۵۰۶ درصد کاهش یافته است.

دردص تغییرات بهره وری سرمایه

با بررسی دردص تغییرات بهره وری سرمایه طی شش ساله مورد بررسی عملکرد این صنعت روشن تر می شود. براساس سال پایه ۱۳۸۹ بهره وری سرمایه فولادی ها در سال ۱۳۹۰ معادل ۱۰۶۰۶ درصد رشد داشته است. رقمی که در سال ۱۳۹۱ به ۲۹۲۰۸ درصد رسیده است.

گفت‌وگو

برجام کلاف‌های تودر تویی است که ترامپ به پاره کردن آن نیست

حکومت‌ها باید در‌های خود را به روی اقتصاد جهانی بکشایند

از طرفی چین واردکننده جدی فولادی که آمریکا روی آن تمرکز کرده نیست و بیشتر واردات فولاد چین از اروپا انجام می‌شود. این سیاست‌های آمریکا در برابر چین بیشتر برای چلنه‌زنی است و مصرف داخلی دارد. شما بپذیرید که سیاست داخلی هست که خیلی از مسائل و خطنشی‌ها را در سیاست خارجی دیکته می‌کند ولی جنبه شعاری دارد. این سیاست‌ها می‌تواند به زیان ترامپ باشد و همین الان هم خیلی از حوزه‌ها را از دست‌داده مانند آلاباما، ویرجینیا یا پنسیلوانیا.
تا چه حد یک شخص در یک سیستم پیشرفته می‌تواند فراساختاری عمل کند؟

در روند منافع ملی شخصیت‌ها و حتی اعضا و روابط دوستانه تأثیری در سیاست‌گذاری ندارند و این سیستم‌ها هستند که بر اساس منافع ملی تصمیم می‌گیرند.

نزدیکی داماد ترامپ به بن سلمان ولیعهد عربستان یا رابطه خانوادگی نتانیاهو با کوشنر جایگاهی در رهبردهای کلان سیاست‌گذاری یک کشور ندارد ساده‌لوحی است که روابط اشخاص و احزاب را ملاک تعیین سیاست‌گذاری قرار دهیم و متأسفانه می‌بینیم در همه جای دنیا نطقظ ایران، مسائل بین‌الملل در سطوح پایینی مانند احزاب و اشخاص تحلیل می‌شوند و به منافع ملی و سیستم‌ها توجهی نمی‌شود. این نوع حرف‌ها چون عامه‌پسند هستند و خواهان دارند بیشتر بدان‌ها پرداخته می‌شود کما اینکه من در این زمینه در کتاب "ملی شن صنعت نفت و کسوف امپراتوری انگلستان در خاورمیانه" نشان دادم که احزاب کارهای نبودند نه کارگر و نه محافظه‌کار نه دموکرات‌ها و نه جمهوری خواهان سیاست‌گذار نبودند بلکه سیستم و منافع ملی آمریکا می‌خواست که در کنسرسیون نفتی ایران شریک باشند. بنابراین مسئله حزبی نیست کما اینکه حزب‌های بعدی هم که بر سر کار می‌آیند ادامه سیاست‌های قبلی را پیگیری می‌کنند بنابراین افراد و احزاب به‌جز تبلیغات که ممکن است به شما هیجان دهد، تغییری در مسائل جدی صورت نمی‌دهند.

ولی ترامپ تا همین الان هم به خیلی از شعارهایش که در تضاد باسیاست‌های رئیس‌جمهور قبلی است عمل کرده است مانند انتقال سفارت به بیت‌المقدس و مسئله برجام؟
سفارت آمریکا که عملاً در بیت‌المقدس بود و ترامپ فقط این موضوع را مطرح کرد برنابراین چیز جدیدی اتفاق نیفتاده است، بقیه مطرح نمی‌کردند ولی ترامپ مطرح کرد.برجام هم یک مسئله‌ای است که



به طول بینجامد ولی حضور آمریکا در خاورمیانه در حال رقیق شدن است. آمریکا در خاورمیانه دو سه بار سوخته در عراق، لیبی و سوریه و از آن طرف چین در حال رشد است این باعث می‌شود توجه به یک جای دیگر جلب شود.

آیا خاورمیانه به سمت ثبات در حرکت است؟

خاورمیانه دارد مطالبات بعد از فروپاشی عملی را رزند می‌کند. بعد از فروپاشی عثمانی، روسیه و انگلیس مشکلاتشان را زیر فرش هلل دادند. بعد از جنگ سرد و حال که فرمت جهان عوض‌شده به‌مرورزمان مطالبات دارد بالا می‌آید، مانند مطالبات مذهبی، قومی و غیره به‌طور کلی به خاورمیانه به‌صورت کلیشه‌ای نمی‌شود نگاه کرد. الان همه دارند تلاش می‌کنند در کیک اقتصادی خاورمیانه که بعد از ثبات به وجود می‌آید سهم باشند از جمله ایران، ترکیه، عربستان و کشورهای فرامنطقه‌ای مثل فرانسه و بریتانیا.

به‌مرورزمان خاورمیانه در حال پوست‌اندازی است یا تبدیل به یک منطقه مصرف خواهد شد و حالا که دور جهانی‌شدن و اقتصاد متقابل است گروه‌هایی که تاکنون در اقتصاد خاورمیانه حضور نداشتند به این سمت حرکت کرده تا پویایی اقتصادی به وجود بیاید وقتی که حکومت‌های لیبی و عراق تاریخ‌مصرفشان تمام‌شده این به معنی آن است که این سبک حکومت کلاهی خود را از دست‌داده است. حکومت‌ها باید در‌های خود را به روی اقتصاد جامعه بکشایند چون که سرمایه‌داری بدون پویایی امکان‌پذیر نیست.

آمریکا چه سودی از جنگ اقتصادی با چین خواهد برد؟
اصولاً دست راستی‌ها همیشه شعارهایشان تنش آمیز است. موضوع تجارت جهانی یک مسئله همه‌جانبه است و به پایین بودن تعرفه‌ها به نفع همه هست بنابراین یک کشور نمی‌تواند در این مسئله تعیین‌کننده باشد.

یک میلیارد و سیصد و نود میلیون، جمعیت چین است این خود یک بازار بزرگ است برای کالاهای چینی. زمان چین مانو جمعیت یک ضعف بود ولی الان به یک نقطه قوت تبدیل‌شده است و به‌اندازه یک‌ششم دنیا بازار دارد. به‌علاوه اگر این جمعیت کالاهای غربی را استفاده نکنند غرب ضربه بیشتری نسبت به چین می‌خورد. بنابراین در یک جنگ اقتصادی بین چین و آمریکا، این آمریکا است که زیان خواهد دید و قادر خواهد بود همان طیفی را که بر سر کار هستند زمین بزند.

ان الان نوزدهم نیست که یک مونوپولی باشد. اولین ضربه به آمریکا وارد خواهد شد درواقع هم از لحاظ اقتصادی و هم از لحاظ سیاسی به آمریکا ضربه وارد می‌شود و اولین ضربه به حوزه‌هایی مانند کشاورزی و عراق، افغانستان و یمن باشد. بنابراین تعامل با ایران یک کار عاقلانه‌ای خواهد بود. نگاه به شسرق یک‌روزه اتفاق نمی‌افتد و شاید چندین دهه

تا خلیج‌فارس همیشه از لحاظ استراتژیک و ژئوپولیتیک کلیدی بوده و همیشه خواهد بود. تا وقتی که فرمت جغرافیایی زمین این است و در اخص قدرتی مانند روسیه در این منطقه وجود دارد از چنین اهمیتی برخوردار است. بنابراین غربی‌ها مجبور بودند که یک کشور یدک در این منطقه داشته باشند و عربستان یدک شد. ولی بعد از توافق هسته‌ای علیرغم شعارهایی که در سیاست‌های داخلی آمریکا داده می‌شود ایران

به حوزه‌استراتژیک سیاست بین‌الملل پیوست. از طرفی نفت هم از لحاظ مقدار و هم از لحاظ تکنولوژی در جهان به مقدار زیاد وجود دارد که این مسئله باعث از دست رفتن اهمیت نفت به‌عنوان یک کالای استراتژیک شده است. بنابراین عربستان از هر دو جهت اهمیت خود را از دست‌داده است هم از لحاظ اهمیت نفت هم از لحاظ موقعیت استراتژیک در منطقه. دلیل تلاش عربستان برای صورت نگرفتن توافق هسته‌ای هر سهم در همین مسئله داشت. ولی حرف اول را منافع آمریکا می‌زند، منافع ملی آمریکا ایجاب می‌کند که در این منطقه آرامش و امنیت ایجاد شود و این مسئله با توافق با ایران حاصل می‌شد. بنابراین توافق باید امضا می‌شد.

صحبت خروج نیروهای آمریکایی از سوریه تا چه حد واقعی است؟

امریکا از لحاظ امنیت توجه خود را به شرق آسیا معطوف کرده است. خاورمیانه دیگر از نظر اقتصادی و سیاسی در اولویت آمریکا نیست؛ اولویت ایالات‌متحده، یک قدرت اقتصادی و نظامی است که رقیب آمریکا شده است. آمریکا سه رقیب اصلی دارد؛ چین از لحاظ اقتصادی، روسیه از لحاظ نظلمی و اتحادیه اروپا و پیروز از لحاظ مالی. بنابراین آمریکا تحت چالش قرار گرفته است و قدرتی مانند بیست یا پنجاه سال پیش ندارد که تک‌رو باشد اکنون مورد چالش قدرتهای اقتصادی قرار گرفته است. اگر آمریکا نیروهایش را از سوریه بیرون بکشد دوتا موضوع وجود دارد اول اینکه آیا خلأقدرت به وجود نمی‌آید؟ اگر با سرعت نیروهایش را بیرون بکشد خلأقدرت باعث رشد غندهای سرطانی مانند تروریسم در این منطقه می‌شود ولی عموماً آمریکا از خاورمیانه و حتی اسرائیل خسته شده و قصد خروج از این منطقه را دارد. ولی از یک‌طرف طیفی که بر کرسی قدرت ننشستند به خاطر مخاطب‌های داخلی شعارهایی می‌دهند تا حامیان خود را از دست ندهند.

خلأقدرت آمریکا در خاورمیانه را چه کسی پر می‌کند؟

خلأقدرت را ایران هم می‌تواند پر کند به دلیل اینکه ایران وارد حوزه استراتژیک غرب شده است. ایران همیشه هم از لحاظ استراتژیک و هم ژئوپولیتیک در طول تاریخ دارای اهمیت ویژه‌ای بوده است. اکنون اهمیت ایران در این است که می‌تواند حلال مشکلات در خاورمیانه، سوریه عراق، افغانستان و یمن باشد. بنابراین تعامل با ایران یک کار عاقلانه‌ای خواهد بود. نگاه به شسرق یک‌روزه اتفاق نمی‌افتد و شاید چندین دهه



رضا نحوی

روزنامه‌نگار

دکتر علیرضا موسوی زاده متخصص امور مطالعات تاریخ امپراتوری و دیپلماسی معاصر انگلیس، از تحلیلی سیستمیک برای بررسی مسائل بین‌الملل استفاده می‌کند و اشخاص و احزاب را دارای تأثیر چندانی در تحلیل علمی نمی‌داند و بر همین اساس حمله موسکی ترامپ به سوریه را نه رویارویی با روسیه بلکه ادامه مسیر سیاست‌های اوپاما می‌داند. این استاد دانشگاه ولز رویارویی دو قدرت آتمی را به دلیل هزینه‌های بالا بعید می‌داند. او برجام را به کلافی تودرتو تشبیه کرده است که ترامپ توانایی پاره کردن آن را ندارد و شعارهای ترامپ علیه برجام را در راستای مصرف داخلی و بالا بردن قدرت چانه‌زنی تحلیل می‌کند. در ادامه متن گفت‌وگوی «همدلی»، با این استاد دانشگاه را می‌خوانید:

ترامپ چه هدفی را از حمله به سوریه دنبال می‌کند؟

بنجامین دبیزرائیلی می‌گفت وقتی سیاستمداران بر سر کار می‌آیند سیاست‌ها از قبل در کازوی وجود دارد. یعنی افراد فقط مجری هستند و این سیستم‌ها هستند که سیاست‌گذاری می‌کنند. حمله آمریکا به سوریه ادامه سیاست‌های اوپاما بود. هشدار تکرار استفاده از سلاح‌های شیمیایی زمانی که حزب دموکرات سر کار بود به سوریه داده‌شده بود. بنابراین حمله موسکی به چند ساختمان در سوریه ادامه سیاست‌های اوپاما بود. اگر آن موقع هم‌حزب جمهوری خواه بر سر کار بود همین تذکر داده می‌شد و فارغ از این که امروز چه حزبی سر کار باشد این حمله صورت می‌گرفت.

یعنی هدف از این حمله ایران و روسیه نبودند؟

در این حمله موسکی چندین ساختمان هدف قرار گرفته شد و نه کاری با روسیه داشت نه با مواضع ایران، بلکه یک حمله سمبلیک بود در راستای شعارهای سیاست‌های داخلی آمریکا سیاست خارجی همه ابرقدرت‌ها از جمله آمریکا از اواسط قرن نوزدهم و حتی قبل از آن بر این بوده که در اوبرقدرت هیچ‌وقت باهم درگیر نشوند چون هزینه‌های بالایی دارد. در مسئله اوکراین هم بلوجوانیکه روسیه، کریمه را ضمیمه خاک خود کرد ولی تنش جدی بین آمریکا و روسیه به وجود نیامد و

در یک جنگ اقتصادی بین چین و آمریکا،

این آمریکا است که زیان خواهد دید و قادر خواهد بسود همان طیفی را که بر سر کار هستند زمین بزند. الان قرن نوزدهم نیست که یک مونوپولی باشد. اولین ضربه به آمریکا وارد خواهد شد، درواقع هم از لحاظ اقتصادی و هم از لحاظ سیاسی به آمریکا ضربه وارد می‌شود

بیانیه

بیانیه جامعه کارگری به مناسبت فرا رسیدن روز کارگر تنها یک راه باقی مانده است



۸- آزادی اعتصاب، راه پیمایی، اعتراض، گردهمایی، عقیده و

۹- در شرایط تورم و گرانی روز افزون اعمال سیاست‌های اقتصادی مخالف عدالت اجتماعی معروف به سیاست‌های ریاضتی همچون رها سازی قیمت ها، تعدیل کارکنان و خصوصی سازی های منجر به اخراج کارگران و مقررات زدایی حقوق کار و نابود سازی دستاوردهای چند ده ساله حقوق کارگری و تعرض ضد کارگری به قانون کار را محکوم کرده و خواهان پایان بخشی به این سیاست های اقتصادی ضد کارگری و ضد عدالت اجتماعی هستیم

۱۰- اکثر بانزنشستگان کارگری در شرایط وخیم اقتصادی و معیشتی روزگار می گذرانند و به لحاظ کمک های غذایی بهداشتی دچار کمبود های اساسی می باشند. ما ضمن اعتراض به این وضعیت اسفناک خواستار برخورداری همه بانزنشستگان به ویژه بانزنشستگان حداقل بگیر از یک زندگی خوب و شایسته هستیم

۶- حق ایجاد سندیکاها و تشکلات مستقل برای کارگران.

۷- اخراج و تعقب پلیسی - امنیتی - قضایی کارگران، معلمان و دیگر فعالان صنفی متوقف گردد و کارگران و معلمان زندانی بدون قید شرط آزاد باید گردند.

۱۲- برابری کامل حقوق زنان و مردان در تمام شئون زندگی از جمله برابری مزد زن و مرد برای کار یکسان.

۱۳- ما به همراه عموم کارگران ایران و جهان، سیاست های مداخله گرانه، جنگ افروزانه و تجاوز کارانه از جانب هر دولت متجاوز را علیه مردم کشورها محکوم نموده و خواهان برقراری صلح، امنیت، رفاه و پیشرفت برای تمامی مردم ایران، منطقه و جهان هستیم.

۱۴- خواهان رفع هر گونه تبعیض و بی عدالتی نسبت به کارگران مهاجر به ویژه کارگران افغان در ایران و نیز سایر کارگران مهاجر در سراسر جهان می باشیم.

۱۵- اول ماه مه روز جهانی کارگر باید تعطیل رسمی اعلام شده و در تقویم رسمی کشور ثبت‌شده شود. ما خواهان لغو هرگونه محدودیت در برگزاری مراسم این روز جهانی هستیم .

ازم به ذکر است که این بیانیه به اعضاء تشکل کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، تشکل کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه، گروه اتحاد بانزنشستگان کمیته‌همانگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری رسیده است.